

ریشه‌شناسی نام نهاوند

سهم‌الدین خزائی (عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان)

چکیده: ریشه‌شناسی نام اماکن تاریخی برای مردمان ساکن هر منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است و در واقع شاید اولین پرسشی که در ذهن هر شخص شکل می‌گیرد همین باشد که نام محل سکونت وی از کجا آمده و به چه معنی است. بنابراین شناخت نام اماکن و فهم معنی آنها از ضرورت‌های تاریخی است. پیشینه نام نهاوند به‌عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران به سده هشتم ق.م. با عنوان نیشای یا نیسای برمی‌گردد. این نام پس از آن به نيساونت، نهاوند و در نهایت نهاوند تغییر شکل یافته است. بر اساس ریشه‌شناسی این نام، دو معنی «درازکشیده در پایین» و «زیستگاه» و «محل زندگی» را می‌توان برای آن در نظر گرفت. با توجه به گفته منابع متفاوت تاریخی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی می‌توان گفت که نيسای نام منطقه‌ای وسیع از ماد بوده و احتمالاً شامل چند شهر می‌شده است که به‌مرور زمان هر کدام از این شهرها نام مجزایی به خود گرفته و نام نيسا برای یکی از مناطق مورد نظر یعنی نهاوند امروز باقی مانده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی بر آن است تا به ریشه‌شناسی نام نهاوند از منظر مدارک تاریخی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: نيسای، نيسا، نيساونت، نهاوند، نهاوند

۱. مقدمه

نهاوند شهری واقع در غرب ایران و در منطقه شمالی زاگرس و ۹۰ کیلومتری جنوب همدان است. این منطقه از نظر کشاورزی بسیار حاصلخیز و پرآب است. با توجه به اینکه نهاوند بر سر یکی از راه‌های مهم ارتباطی تاریخی قرار گرفته که از عراق مرکزی شروع شده و از طریق کرمانشاه به شمال ایران می‌رسیده (خزانی ۱۳۹۵: ۴۶)، در بیشتر ایام محل عبور لشکریان و کاروان‌ها و به تبع آن محل وقوع وقایع و نبردهای متعددی بوده است. بنابراین برای مردم ساکن در این منطقه تاریخی شناخت جای نام نهاوند و ریشه‌شناسی و معنای این نام بسیار ضروری و مهم بوده و بخشی از گذشته تاریخی آنها به حساب می‌آید.

بیشتر نویسندگان کتاب‌های لغت، فرهنگ‌نویسان، جغرافی‌دانان و مورخین درباره ریشه‌شناسی نام نهاوند اظهار نظر کرده‌اند و هنگامی که از نهاوند صحبت به میان آمده خواه‌ناخواه به وجه تسمیه و معنی نام نهاوند اشاره کرده‌اند، اما همه آنها در دایره‌ای محدود و بر اساس ظاهر نام نهاوند به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از آن پرداخته‌اند. تحقیقات جدید در مورد نهاوند نیز خیلی فراتر از آن نرفته و افرادی چون شمس‌الدین سیدان (۱۳۷۹) در نهاوند در هزاره‌های تاریخ، علی‌اکبر افراسیاب‌پور (۱۳۸۱) در جغرافیای تاریخی نهاوند و حسین زرینی (۱۳۸۵) در نهاوند به همان مطالب اشاره کرده و نکته جدیدی به موضوع مورد نظر اضافه نکرده‌اند. تنها کاری که نوآورانه بوده و از نظر ریشه‌شناسی نام نهاوند به دستاوردهای جدید دست یافته مقاله محمد مهدی احدیان (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی ریشه‌شناختی دو جای نام در استان همدان (نهاوند و آدراپانا)» است که از نظر زبان‌شناسی به نتایج خوبی دست یافته است.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با بررسی منابع تاریخی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی (به‌ویژه سکه‌شناسی) به ریشه‌شناسی نام نهاوند پرداخته، و وجه تسمیه و معنی نام نهاوند، با تکیه بر مدارک معتبر تاریخی بیان شود.

۲. تاریخ نهاوند پیش از دوره ساسانی

نهاوند و مناطق اطراف آن از زمان‌های پیش از تاریخ مسکون بوده و کشفیات تپه گیان در ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ م. توسط ژرژ کنتنو^۱ و رومن گیرشمن^۲ این را تأیید کرده است (واندبرگ ۱۳۷۹: ۸۷). گزارش‌های باستان‌شناسی در منطقه نهاوند نمایانگر استقرار انسان در این منطقه پیش از دوره آهن است. در کاوش‌های تپه گیان در ۱۶ کیلومتری جنوب‌غربی نهاوند پنج دوره فرهنگی از پایان هزاره پنجم تا آغاز هزاره اول ق.م. بازشناخته شده است (گیرشمن ۱۳۸۴: ۸۸-۹۲؛ طلائی ۱۳۸۱: ۶۶)، به نحوی که ظاهراً سراسر دوره روستانشینی جدید را در گیان می‌توان تشخیص داد (هول ۱۳۸۱: ۱۱۷) و این منطقه در این دوران کاملاً مسکون بوده است.

طبیعتاً با تشکیل دولت ماد (۷۱۵-۵۵۳ ق.م.) در ایران، منطقه نهاوند جزء ماد بزرگ (ماد سفلی) بوده و پس از شکل‌گیری شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۳-۳۳۱ ق.م.) و سقوط ماد، این منطقه تحت تابعیت هخامنشیان قرار گرفته است. در دوره هخامنشی، نهاوند در جنوبی‌ترین نقطه ماد قرار داشته است. با توجه به این که در کتیبه‌های هخامنشی نام بیشتر مناطق مهم ذکر شده و با توجه به اینکه نهاوند یکی از مناطق با پیشینه‌ای کهن بوده، بنابراین می‌بایست نام این منطقه نیز از اسامی ذکر شده در کتیبه‌های هخامنشی بوده باشد. از آنجاکه نام نهاوند در هیچ‌کدام از کتیبه‌های هخامنشی ذکر نشده، باید به دنبال نام دیگری باشیم که نهاوند در دوره هخامنشی داشته است. به احتمال زیاد در دوره جانشینان اسکندر مقدونی، و در زمان آنتیوخوس سوم سلوکی (۲۲۳-۱۸۷ ق.م.) نام لائودیسه (لائودیکیا)، همسر وی، جایگزین نام قدیمی این منطقه شده و یکی از شهرهای مهم دوره سلوکی به حساب می‌آمده است (دیاکونف ۱۳۵۱: ۲۴؛ یارشاطر ۱۳۷۷: ۳؛ قسمت دوم/ ۱۰۹ و ۴۹۷). این اتفاق تنها در صورتی قابل توجیه است که این شهر پیش از آن به اندازه کافی مشهور و مهم بوده و شایستگی این را داشته که نام همسر پادشاه سلوکی و یکی از معابد مهم دوره سلوکی را پذیرا باشد.

در دوره سلوکی (۳۱۲-۶۴ ق.م.) شهرسازی رونق فراوان گرفت و در بسیاری از مناطق

شهرهای جدیدی با طرح هیپودام^۱ پدید آمدند. یکی از این شهرها (پولیس) لائودیسه (لائودیکیا) در منطقه ماد بود (Strabo, *Geography*, XI, 13. 6) که همان نهاوند دوران بعدی است. شیوه بنای شهرها در دوره سلوکی متفاوت بود؛ از این میان برخی شهرهای بومی و موجود در صورت داشتن ویژگی‌های لازم حقوق و عنوان پولیسی دریافت می‌کردند مانند شهر شوش که در دوره سلوکوس اول به مرتبه پولیسی رسید و به نام سلوکیه اولای خوانده شد (دیاکونف ۱۳۵۱: ۲۳-۲۴). شهر نهاوند در دوره سلوکی نیز واجد همین شرایط بوده و گویا در دوره آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م.) به درجه پولیسی ارتقا یافته و به نام همسر پادشاه یعنی لائودیسه نامیده شده است. هرچند گوتشمید معتقد است که شهر لائودیسه را سلوکوس اول (۳۱۲-۲۸۰ ق.م.)، مؤسس سلسله سلوکیه، بنا کرده است (گوتشمید ۱۳۸۸: ۴۸)، با توجه به نام‌گذاری شهر به لائودیسه همسر آنتیوخوس سوم این نظر قابل پذیرش نیست. در تأیید زمان نام‌گذاری نهاوند به لائودیسه باید گفت که در ۱۹۴۶ م. یک ستون سنگی در نزدیکی نهاوند پیدا شد که کتیبه‌ای از آنتیوخوس سوم را دربرداشت که پرستش همسرش ملکه لائودیسه را در آن تبلیغ کرده است و امروزه در موزه ایران باستان است. در واقع این کهن‌ترین گزارش تاریخی حاکی از بنای این شهر با نام اولیه لائودیسه توسط سلوکیان است (گیرشمن ۱۳۸۴: ۲۹۴). لائودیسه یکی از هفتادوپنج شهری بود که به فرمان سلوکوس برای کوچ اهالی و اقامت مقدونیان ساخته شد (گوتشمید ۱۳۸۸: ۴۸؛ بیانی

۱. طبق طرح مزبور شهر دارای دو خیابان اصلی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بود که یکدیگر را قطع کرده و زوایای قائمه تشکیل می‌دادند و کوچه‌ها و خیابان‌های جنبی، موازی با خیابان‌های اصلی یا عمود بر آنها بودند و بخش‌ها یا بلوک‌های مربعی از منازل بدین طریق ایجاد می‌شد. شیوه بنای شهرها متفاوت بود؛ برخی شهرها از ترکیب چند روستا و منطقه مسکونی نزدیک به هم به وجود می‌آمدند، برخی شهرها با ارتقای کلنی‌های نظامی به درجه پولیس شکل می‌گرفتند، برخی شهرهای بومی و موجود نیز در صورت ویژگی‌های لازم حقوق و عنوان پولیسی دریافت می‌کردند (مانند شهر شوش که در دوره سلوکوس اول به مرتبه پولیسی رسید و به نام سلوکیه اولای خوانده شد) و در نهایت شهری به شیوه‌ای مصنوعی از بنیاد در محلی بنا می‌شد (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۲۳-۲۴). یکی از پولیس‌های دوره سلوکی لائودیسه (لائودیکیا) واقع در ماد بود (Strabo, *Geography*, XI, 13. 6). این شهر همان نهاوند دوران بعدی است که در این دوره به واسطه نام همسر آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م.) به نام لائودیسه نام‌گذاری شده است. گفتنی است، شهر (پولیس) لائودیسه پیش از آن نیز همانند شوش به صورت یک شهر وجود داشته و در این زمان فقط نام آن همانند شهر شوش تغییر یافته است.

۱۳۸۱: ۵۴/۲). در سال ۱۹۳ ق.م. آنتیوخوس سوم فرمانی صادر کرد که پرستش همسرش ملکه لائودیسه را در معبد آن محل که به نام وی معروف شد، برقرار و مرسوم می‌کرد. این فرمان که بر تخته‌سنگی مرمرین نوشته شده بود در فراز تپه کنار شهر نهاوند یافته شده است (واندنیرگ ۱۳۷۹: ۹۰).

آنچه مسلم است در دوره سلوکیان کلمه نهاوند در هیچ منبعی ذکر نشده و این شهر به نام لائودیسه (لائودیکه یا لائودیکیا) معروف بوده است. این شهر به احتمال قریب به یقین در دوران اشکانی یا ساسانی به نهاوند معروف شده است (بیات ۱۳۷۹: ۱۵۷)، زیرا طبق گفته طبری در دوره سلطنت اردشیر بابکان یکی از هفت خاندان مقتدر به نام قارن در حوالی نهاوند سکونت داشته‌اند (طبری، تاریخ الرسل و الملوک: ۸۳؛ کریستن سن ۱۳۷۹: ۱۵۹-۱۶۰). اما ابن فقیه همدانی از قول کلبی می‌گوید که نهاوند کهن‌ترین شهر جبال است (ابن فقیه همدانی، البلدان: ۹۳) و همین ثابت می‌کند که پیشینه این شهر به خیلی پیش‌تر از دوران سلوکی برمی‌گردد (بیات ۱۳۷۶: ۶۷).

طبق گفته دینوری، در دوره اشکانیان (۲۵۰ ق.م. تا ۲۲۴ م.) نهاوند جایگاه حکومت و محل اقامت شاهزاده قدرتمند اشکانی، اردوان پسر اشه (اردوان اول)، بوده است (دینوری، اخبار الطوال: ۶۶/۱). در حدود سال ۱۹۲۰ م. در سرزمین ماد نزدیک نهاوند گنجی کشف شد که به نام «گنج قارنیا» نامیده شد. در این گنجینه مصنوعات فراوانی از کنده‌کاری‌های اشکانی وجود دارد که بدون اطلاع از آنها درک مصنوعات هنری نقره‌ای ساسانی دشوار است (دیاکونف ۱۳۵۱: ۱۲۶). گوئشمد باتوجه به مطالب منزلگاه‌های اشکانی اثر ایزیدور خاراکیسی (بند ۴-۷) و تاریخ طبیعی اثر پلینی (Pliny, *Natural History*, VI. 44) نحوه تقسیم شاهنشاهی اشکانی در دوره مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق.م.) را چنین بیان می‌کند که شاهنشاهی اشکانی به دو قسمت علیا و سفلا تقسیم می‌شده و دروازه‌های خزر حد فاصل میان این دو قسمت بوده است. نواحی سفلی را شامل هفت ایالت می‌داند که به ترتیب عبارتند از: ۱) بین‌النهرین و بابل، ۲) آپولونیاتیس^۱ واقع در سوریه، ۳) خالونی تیس^۲ در

1. Apolloniatis

2. Chalonitis

نزدیکی اربیل، ۴) کارینا^۱، ۵) کامبادنه^۲، ۶) ماد علیا، ۷) ماد سفلا یا ماد ناحیه ری. وی ذکر می‌کند که این چهار قسمت سابقاً ساتراپ‌نشین ماد را تشکیل می‌دادند (گوتشمید ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹). عبدالرفیع حقیقت با اینکه می‌گوید کارینا درست معلوم نیست کجا بوده، اما آن را در جای دیگر کارینا ذکر کرده است (حقیقت ۱۳۸۴: ۱۲۵) و می‌گوید باید نهاوند باشد (همان: ۱۵۰)، ولی دلیلی برای این نتیجه‌گیری خود ذکر نکرده است. گفتنی است که خاندان کارین یا کارن (قارن) که در دوره اشکانی و ساسانی جزو خاندان‌های قدرتمند بودند و املاک زیادی در سطح کشور داشتند، جایگاه اصلی آنها شهر نهاوند بوده و تا پایان دوره ساسانی نیز از نفوذ زیادی برخوردار بودند. باتوجه به ترتیب ایالات ذکر شده و باتوجه به این که نهاوند در جنوبی‌ترین قسمت منطقه ماد بوده و البته باتوجه به اهمیت و جایگاهی که این شهر در دوره سلوکی داشته، می‌توان نتیجه گرفت که کارینا با نهاوند تطابق دارد و هم‌نام بودن این منطقه با نام خاندان بزرگ کارن نیز مؤید این مطلب است.

۳. وجه تسمیه نهاوند از دیدگاه فرهنگ‌نویسان و مورخان

نهاوند در فرهنگ‌های متفاوت به سه شکل نهاوند به فتح (ن)، نهاوند به ضم (ن) و نهاوند به کسر (ن) خوانده شده و به صورت‌های متفاوتی نظیر نوح‌آوند، نیماوند، اینهاوند، نیوهاوند، نیاوند و نیهاوند^۳ ضبط شده است. افزون بر آن نهاوند نام شعبه‌ای از موسیقی بوده و به پرده‌ای در موسیقی اطلاق می‌شده که در نیمه‌شب می‌سرودند (افراسیاب‌پور ۱۳۸۱: ۷۶-۷۸).

در مورد وجه تسمیه نهاوند نظرهای گوناگونی بیان شده است؛ برخی معتقدند که نهاوند به معنی «شهر نوح» است و می‌گویند این شهر را حضرت نوح بنا کرده و به همین دلیل چنین نامی به خود گرفته و ابتدا نوح‌آوند یا نوحاوند و نوحوند بوده و به مرور زمان به شکل

1. Karina

2. Kambadene

۳. نویسنده در میان اسامی نهاوند به نام «نیفونآندی» نیز اشاره کرده که توسط بطلمیوس برای نهاوند به‌کار رفته است ولی متأسفانه نه از منبع مورد استفاده خود نام برده و نه در مورد کیفیت نوشته بطلمیوس در مورد نهاوند توضیح داده است. بطلمیوس، منجم و ریاضی‌دان و جغرافی‌دان معروف حوزه علمی اسکندریه در قرن دوم میلادی، نهاوند را قدیمی‌ترین ناحیه جبال می‌داند که طول جغرافیایی نهاوند را (عد) ۷۴ درجه و عرض جغرافیایی آن را (لو) ۳۶ درجه ضبط کرده است (بیات ۱۳۷۹: ۱۵۶).

نهاوند در آمده است (بغدادی، صورة الارض: ۹۳؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۱۸۶؛ الجزری، اللباب فی تهذیب الانساب: ۳۳۵/۳؛ طوسی همدانی، عجایب المخلوقات: ۲۷۵؛ میرخواند، روضة الصفا: ۴۴۸/۷؛ تبریزی، برهان قاطع: ۲۲۱۰/۴؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی: ۳۷۹۰/۵؛ حسینی مدنی تتوی، فرهنگ رشیدی: ۱۴۳۰/۲؛ حسینی عاملی، اعیان الشیعه: ۹۴/۵؛ ساروی، سه رساله در علم رجال: ۱۲۳؛ فوریه ۱۳۸۵: ۳۸۲). برخی حتی برای این نام‌گذاری دلایل دیگری از جمله داستان‌های محلی در مورد به گل نشستن کشتی نوح در کوه‌های نزدیک نهاوند را ذکر کرده‌اند (ایزدپناه ۱۳۶۳: ۳۰۵/۲؛ حسنی رازی، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام: ۱۶). از مورخین نیز ابن فقیه همدانی در اواخر سده سوم هجری، سمعانی در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری، قزوینی و یاقوت حموی در سده هفتم هجری، ابوالفداء در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری، انصاری دمشقی در سده هشتم هجری و خواندمیر در اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری نهاوند را از بناهای نوح دانسته و اصل آن را نوح‌آوند دانسته که به مرور زمان به نهاوند تبدیل شده است (ابن فقیه همدانی، البلدان: ۹۳؛ سمعانی، الانساب: ۵۴۱/۵؛ قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد: ۲۴۵/۱ و ۲۷۴؛ حموی، معجم البلدان: ۳۱۳/۵-۳۱۴؛ انصاری دمشقی، نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر: ۳۱۲؛ ابوالفداء، تقویم البلدان: ۴۸۲؛ برای آگاهی بیشتر نک: بیات ۱۳۷۶: ۶۷ و ۷۳-۷۶). اما دلیل انتساب بنای این شهر به حضرت نوح این است که جغرافی دانان مسلمان هنگامی که مبادرت به نوشتن جغرافیای شهرها می‌کردند به علت قدمت تعدادی از آنها و مشخص نبودن بانی چنین شهرهایی آنها را به حضرت نوح یا کیومرث پادشاه اساطیری ایران نسبت داده‌اند (همو ۱۳۷۹: ۱۵۷-۱۵۸).

برخی نیز معتقدند که کلمه نهاوند به معنی «شهر ظرف» بوده و از دو بخش تشکیل شده؛ یکی نه به معنی «شهر» و دیگر آوند به معنی «ظرف» (محمد پادشاه، فرهنگ آندراج: ۴۴۲۷/۷؛ حکیم، گنج دانش: ۷۳؛ تبریزی، برهان قاطع: ۲۲۱۰/۴ و ۲۲۱۴؛ شیرازی، فرهنگ جهانگیری: ۲۲۰۳/۲؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی: ۳۷۹۰/۵؛ حسینی مدنی تتوی، فرهنگ رشیدی: ۴۱۳۰/۲؛ هدایت، فرهنگ انجمن آرای ناصری: ۷۲۴/۲؛ نوبان ۱۳۷۶: ۴۸۲؛ سیدان ۱۳۷۹: ۱۰۵). برخی از آنها وجه تسمیه اول را به این دلیل رد کرده‌اند که کلمه نهاوند را یک لغت فارسی دانسته و نوح را یک لغت عربی، و این ترکیب را برای نام‌گذاری شهر نهاوند نامأنوس می‌دانند (حکیم، گنج دانش:

۱۲۲؛ هدایت، فرهنگ انجمن آرای ناصری: ۷۲۴/۲). برخی نیز با توجه به شباهت دو نام نهاوند و دماوند چنین بیان کرده‌اند که در زبان محلی این منطقه نها به معنی «پیش» و دما به معنی «پشت» است، بنابراین نهاوند به معنی «شهر ایستاده در پیش رو» و دماوند به معنی «شهر ایستاده در پشت سر» است (کسروی تبریزی ۱۳۰۴: ۴۲۹-۴۳۳؛ همو ۲۵۳۶: ۲۶۵؛ افشار سیستانی ۱۳۸۲: ۶۰۵؛ اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

برخی نیز نهاوند را منسوب به ناهید و الهه آناهیتا می‌دانند (باستانی پاریزی ۱۳۴۴: ۲۸۶، ۲۹۹، ۳۰۴). باستانی پاریزی احتمال دیگری را نیز مطرح کرده و می‌گوید نهاوند باید همان نيساوند باشد (از مقوله تبدیل ه به سین) به معنی جایی که بند و سد نيسا است یا جوی (آوند) به نام ناهید دارد (همان: ۳۰۴). پیرنیا نیز محل نيسای قدیم، که اسکندر به تماشای آن رفت، را جایی بین کرمانشاه و نهاوند به طرف شمال می‌داند (پیرنیا ۱۳۸۱: ۱۶۹۸/۲).

افراسیاب‌پور نیز معتقد است که شاید کلمه نهاوند در اصل نوح آب‌بند بوده که به مرور ایام به نوح‌آوند و نهاوند تغییر شکل یافته است (افراسیاب‌پور ۱۳۸۱: ۸۷). وی بیان کرده که اگر کلمه نهاوند را مرکب از دو کلمه نه (به معنی «شهر») و آوند بدانیم، از نظر لغت‌شناسان واژه آوند در زبان پهلوی که زبان اصلی مردم نهاوند در طول قرن‌های متمادی بوده، به معنی «آب‌وند» است (همان: ۸۹). وی احتمال ضعیف دیگری را نیز در نظر گرفته و می‌گوید در گویش نهاوندی به این شهر ناون (به فتح واو و سکون نون) گفته می‌شود که آن را می‌توان به دو بخش نا و ون تقسیم کرد. نا در گویش نهاوندی به معنی «گذاشتن»، «قرار دادن» و «نهادن» است. ون نیز در گویش نهاوندی در یک ضرب‌المثل به کار رفته که می‌گوید: «ون ون افتیه» یعنی بسیار پایین و بالا شده و سختی کشیده و تجربه اندوخته است، بنابراین چند مفهوم را می‌رساند؛ شهری که در پستی و بلندی قرار گرفته، یا محلی که گذشته‌ای طولانی و پر حادثه را پشت سر گذاشته است (همان: ۹۰).

نام‌هایی چون بنوهاوند به معنی «خیر زیاد» یعنی جایی که به دلیل حاصلخیزی از زاد و ولد پرجمعیت است (ابن حوقل، صورة الارض: ۹۳) و وراحل (میرخواند، روضة الصفا: ۲۴۸/۷) نیز برای نهاوند ذکر شده که درست بودن آنها بعید به نظر می‌رسد.

هرکدام از این وجوه تسمیه با توجه به تفسیری که فرهنگ‌نویسان و مورخان متفاوت برای آن ذکر کرده‌اند شاید به ظاهر درست باشد، اما واقعیت را باید به گونه‌ای دیگر یافت و آن با بررسی سیر تاریخی و زبان‌شناسی واژه نهاوند از آغاز شکل‌گیری سکونت در این منطقه تا روزی که نام نهاوند به صورت قطعی به این منطقه داده شده است به دست می‌آید.

۴. نام نهاوند در گذر تاریخ

نهاوند در فارسی امروز به صورت نهاوند؛ در گویش محلی مردم نهاوند به صورت ناون /Nāvan/؛ در گویش همدانی به صورت ناهاوند /Nāhāvand/ و نهاوند /Nehāvand/؛ در منابع اسلامی نیز به صورت نهاوند، نهاوند و حتی نهاوند آمده است (دینوری، اخبار الطوال: ۶۶/۱؛ جیهانی، اشکال العالم: ۱۴۲؛ ابن حوقل، صورة الارض: ۱۰۳؛ طوسی همدانی، عجایب المخلوقات: ۴۸۳؛ گردیزی، زین الاخبار: ۵۱۳؛ یعقوبی، البلدان: ۴۷؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک: ۱۹۴۸؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم: ۷۳؛ اصطخری، مسالک و ممالک: ۲۰۱؛ قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد: ۲۷۳؛ بلاذری، فتوح البلدان: ۱۱۹).

قدیمی‌ترین منبعی که واژه نهاوند به صورت امروزی در آن ذکر شده رساله کوچک شهرستان‌های ایرانشهر به زبان فارسی میانه است که در آنجا واژه نهاوند به صورت nihāwand (nyh'wnd) آمده است (شهرستان‌های ایرانشهر: ۳۹ و ۱۱۴؛ آسانا ۱۳۸۲: ۲۱، ۶۶، ۲۲۴). این اثر تنها رساله پهلوی است که به جغرافیای تاریخی شهرهای ایران پرداخته است. تدوین اولیه این نوشته به اواخر دوره ساسانی باز می‌گردد، گرچه مطالب آن به دوران بسیار قدیمی‌تر تعلق دارد. اما شکل نهایی آن به سده‌های سوم و چهارم هجری مربوط می‌شود (تفضلی ۱۳۷۶: ۲۶۴). مارکوارت زمان تألیف این اثر را حداکثر تا پایان سده هفتم میلادی دانسته و می‌گوید اثر مؤلف می‌تواند حداقل در پایان عصر اموی یا آغاز عصر عباسی نوشته شده باشد (مارکوارت ۱۳۷۱: ۲۶). با توجه به اینکه در این متن از ابومنصور دوانیقی (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق/ ۷۵۴-۷۷۵ م.)، خلیفه عباسی، به عنوان بنیان‌گذار شهر بغداد یاد شده (شهرستان‌های ایرانشهر، بند ۶۰، ۴۲)، و با توجه به اینکه نسخه‌ای که از این رساله تاکنون

به‌دست ما رسیده متعلق به حدود سال‌های ۷۵۴-۷۵۵ م. یعنی سدهٔ هشتم میلادی است، نگارش آن باید در عهد خلیفه ابومنصور دوانیقی یا اندک‌زمانی پس از مرگ وی انجام شده باشد (وثوقی ۱۳۸۳: ۱۱۲؛ پیگولوسکایا ۱۳۷۷: ۱۶۰).

در این رساله چنین آمده است که «در ماد و کوست نهاوند و ور بهرام آوند، بهرام [پنجم] پسر یزدگرد [یکم] که او را بهرام گور می‌خوانند شهرستانی ساخت» (شهرستان‌های ایران‌شهر: ۳۹). شهرستان در پهلوی به معنی «شهر» و «مرکز ناحیه» است (Nyberg 2003: 183). غربی‌ترین ناحیهٔ ماد قدیم را مای/ماه (Māda > Māh) می‌گفتند (Marquart 1931: 68). در دوران ساسانیان ایالت ماه متشکل از هر دو ناحیهٔ اردلان و نهاوند بوده است (بارتولد ۱۳۷۷: ۲۶۸). اگرچه مارکوات واژهٔ ور را «دریاچه» ترجمه کرده است (Marquart 1931: 15)، اما نیرگ آن را به‌درستی از ریشهٔ var- به معنی «قلعه، دژ» و وهرام‌آوند را اختصاری از وهرام‌آماوند (به معنی «قوی») و معرّف بهرام گور دانسته است (Nyberg 2003: 201, 203؛ آذرنوش ۱۳۷۴: ۹-۶) و سرانجام آن که کوست به معنی «ناحیه» و «بخش جغرافیایی» است و کوست نهاوند به معنی «ناحیهٔ نهاوند» — در ماه — است (Marquart 1931: 68). اما منظور از ساختن شهر به‌وسیلهٔ بهرام گور، نه بنیان‌گذاری، که بازسازی (پیگولوسکایا ۱۳۷۷: ۱۶۱) بوده است، زیرا همان‌گونه‌که در تاریخچهٔ این شهر گفته شد، شهر نهاوند یکی از شهرهای بناشده به‌وسیلهٔ سلوکیان با نام لائودیسه بوده و علامت اختصاری این نام، حتی بعدها نیز بر روی سکه‌های ضرب این شهر در دوران اشکانیان نیز دیده شده است. گرچه در برخی موارد شهرها پس از بازسازی نام جدیدی نیز می‌یافتند، تغییر نام لائودیسه به نهاوند باید پیش از قرن دوم میلادی اتفاق افتاده باشد، زیرا بطلمیوس در قرن دوم میلادی نام این شهر را به صورت Niphauanda آورده است (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۹۰) که نه معرف لائودیسه، بلکه بیانگر نهاوند است (احدیان ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۶). مطلبی که در رسالهٔ شهرستان‌های ایران‌شهر در مورد نهاوند آمده و مطلبی که در کتیبهٔ بیستون در مورد محل کشته شدن گنوماته ذکر شده بسیار شبیه به هم هستند. در کتیبهٔ بیستون (ستون ۱، بند ۱۳، سطر ۵۸-۵۹) چنین آمده که «دژی Sikayauvati نام، سرزمینی نیسای نام، در ماد، آنجا او [گنوماته] را کشتم» (Kent 1953: 120). تنها تفاوت در نام

دژهاست. باتوجه به مطالب کتیبه بیستون و شهرستان‌های ایرانشهر می‌توان نتیجه گرفت که نیسای (چنان‌که در ادامه خواهد آمد این نام در دوران بعد به نهاوند و سپس نهاوند تغییر یافته است) نام منطقه‌ای وسیع از ماد بوده و احتمالاً شامل چند شهرستان می‌شده است که به مرور زمان هر کدام از این شهرها نام مجزایی به خود گرفته و نام نیسا برای یکی از مناطق مورد نظر باقی ماند.

۵. ریشه‌شناسی نام نهاوند

با استفاده از روش بازسازی، واژه فارسی میانه نهاوند Nihāwand را می‌توان از فارسی باستان Niθāvanta*، متشکل از Niθā- و پسوند -vanta- به‌شمار آورد. Niθā- با صورت (احتمالاً مادی) Nisā- در سطر ۵۸ از ستون یکم کتیبه بیستون (Kent 1953: 118) در واژه -Nisāya، با معادل عیلامی Nu-iš-šā-ia و اکدی Ni-is-sa-a-a، به‌عنوان نام بخشی از ماد ذکر شده است. این نام احتمالاً مشتق از ni- به معنی «پایین» و sāya- از ریشه si-، say-، qs سنسکریت -śi به معنی «قرار گرفتن» و «دراز کشیدن» است (Bartholomae 1961: 1085; Pokorny 1959: 1675; Kent 1953: 194). احدیان ۱۳۸۸: ۱۶۶). پسوند -vant- نیز برای ساختن صفت از اسم به‌کار می‌رود (Jackson 1891: 226, 235); ابوالقاسمی ۱۳۸۳: ۳۱۲؛ احدیان ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۷) و معنی دارندگی و مالکیت را می‌رساند. باتوجه به موقعیت جغرافیایی دشت نهاوند که در کوهپایه واقع شده و باتوجه به ترجمه ریشه اصلی واژه می‌توان برای نیساوند یا نهاوند معنی «درازکشیده در پایین» یا «قرارگرفته در پایین» را پذیرفت.

در دوره میانه، صورت فارسی باستان Niθāvanta* با تبدیل θ میان‌واکه‌ای به h و تبدیل پسوند -vanta- به فارسی میانه wand- (ابوالقاسمی ۱۳۸۳: ۳۲۸) به صورت فارسی میانه Nihāwand تبدیل شده است. دگرگونی آوایی واژه نهاوند به صورت گویشی نهاوند را می‌توان ناشی از همگونی پیشرو و نیز تبدیل نهاوند به صورت رسمی نهاوند در دوره متأخر را می‌توان بر اثر قیاس (آرلاتو ۱۳۸۴: ۹۴، ۱۴۹) دانست (احدیان ۱۳۸۸: ۱۶۷).

این نام در رونوشت نقشه ایران بطلمیوس در قرن دوم میلادی به صورت نیفاواندا /Niphauanda/ آمده است (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۹۰).

در مکان‌یابی ناحیه نسا در ماد، نظرات متفاوتی ارائه شده است. جای نام باستانی نسا نام چند جا و ناحیه ایران بوده و یکی از معروف‌ترین آنها، ناحیه نسا در ماد بوده است. از آنجاکه اسبان نسایی ماد، معروف‌ترین و چالاک‌ترین اسبان باستان بوده‌اند بنابراین نام نسای مادی به تکرار در منابع باستانی، از جمله در کتیبه‌های آشوری تیگلات پیلسر سوم در قرن ۸ ق.م. و کتاب‌های مورخان یونانی از جمله هرودت، استرابو و دیگران ذکر شده است (احدیان ۱۳۸۸: ۱۶۷).

هرودت اسب‌های منطقه نسیا را از معروف‌ترین اسب‌های ماد می‌داند (Herodotus, *The Persian Wars*, III. 106) و ذکر کرده که اسب‌هایی که گردونه خشایارشا را می‌کشیدند از نژاد اسب نسایی بوده‌اند که در دشت وسیع ماد واقع در میان اصفهان و همدان پرورش می‌یافته‌اند (Ibid, VII. 40).

استرابو نیز وقتی از ماد بزرگ صحبت می‌کند آنجا را همانند ارمنستان سرزمینی بسیار مناسب برای پرورش اسب می‌داند و می‌گوید در اینجا مرغزاری است که چراگاه اسب نامیده شده و کسانی که از پارس و بابل به دروازه‌های کاسپین سفر کنند از آن می‌گذرند. وی می‌گوید که «می‌گویند در روزگار پارسیان پنجاه‌هزار یابو در آنجا چرا می‌کردند و این گله اسب به شاه تعلق داشت. اما درباره اسب‌های نسایی که چون بهترین و بزرگ‌ترین اسب‌ها بود شاهان سوار آن می‌شدند. پاره‌ای می‌گویند از همین نژاد بودند و دیگران می‌نویسند که از ارمینه... از این گذشته علفی را که بهترین خوراک اسب است از آن‌رو مدیک می‌خوانیم که در واقع از اینجا به دست می‌آید» (Strabo, *Geography*, XI, 13. 7).

گزارش دیودور سیسیلی از حرکت اسکندر مقدونی و پیشروی او به سمت همدان حاکی از آن است که پس از بیستون و پیش از آنکه به همدان برسد، به منطقه‌ای رسید که می‌توانست غذای اسبان زیاد لشکرش را تأمین کند. وی در ادامه می‌گوید گفته شده که در گذشته ۱۶۰ هزار اسب در چراگاه‌های آزاد آنجا وجود داشته‌اند، اما هنگام ورود اسکندر شمار آنها بیش از

۶۰ هزار رأس نبود. اسکندر پس از آن که سی روز در آن جا اقامت گزید، در عرض شش روز به اکباتان ماد رسید (Diodorus, *The Library of History*, XVII, 110. 5-6). باتوجه به مسیر حرکت اسکندر این همان جاده‌ای است که از بیستون به سمت همدان می‌رفته و از آنجا به ری منتهی می‌شده است (خزانی ۱۳۹۵: ۴۶)، و منطقه میان بیستون و همدان را باید همان دشت نسای معروف دانست که توان پذیرایی سی‌روزه از اسکندر و سپاهیان وی را داشته است.

اشمیت با درنظر گرفتن همه روایات تاریخی به تحلیل نظرات ارائه شده در مورد محل نسا پرداخته و سرانجام ناحیه نسا را در جنوب همدان دانسته است (Schmitt, 2008). این اطلاعات ما را به ناحیه نهادند امروزی در جنوب همدان رهنمون می‌سازد که ناحیه‌ای محصور میان دو رشته‌کوه در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی است که از سمت کم‌ارتفاع‌تر شمالی‌اش به جاده همدان - بیستون پیوسته است.

تیگلات پیلسر سوم پس از فتوحات گسترده خود، به ماد حمله کرده و فتوحات چندی نیز در ماد انجام داد. سالنامه‌های آشوری دوره این پادشاه، از میان سرزمین‌های فتح‌شده به سرزمین Nišai یا دشت نیسا در جنوب جاده بزرگ همدان نیز اشاره دارند. این سرزمین به‌خاطر اسب‌های خود مشهور بوده و گیرشمن نیسای ذکرشده در سالنامه تیگلات پیلسر سوم را منطقه گیان می‌داند (گیرشمن ۱۳۸۴: ۱۲۳). اسب‌های دشت نیسا در شرق ماد شهرت زیادی داشتند. خراجی را که آشوری‌ها از ایالات ماد و همسایگان آنها دریافت می‌کردند، منحصرأ از دام بود و به‌طور عمده از اسب. درحالی‌که از ایالات غرب زاگرس این خراج از فرآورده‌های صنعتی وصول می‌شد (دیاکونوف ۱۳۸۰: ۱۴۶؛ دیاکونوف ۱۳۸۴: ۵۰).

پرورش اسب در سرزمین ماد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این نکته در منابع آشوری منعکس شده است. دشت‌های نسا (نیسه) و دیگر مناطق به پرورش اسب‌های اصیل شهره بودند (Ammianus Marcellinus, XXIII, 6. 30). رمه‌های نسا در دوران باستان بالغ بر حدود ۱۶۰ هزار رأس اسب بود و به‌همین سبب مورد توجه نظامیان بود و لشکرکشی‌های متعدد به آن منطقه از دوره‌های بسیار قدیم تا دوره فرمانروایی نظامی آشوریان شاهد این

مدعاست. از حاصلخیزی زمین‌های مادها در متون میخی آشوری و تألیفات برجای مانده از نویسندگان عهد باستان سخن به میان آمده است. به‌عنوان مثال آمیانوس مارسلینوس (Ammianus Marcellinus, XXIII, 6. 29-32) چنین می‌نویسد: «ساکنان دامنه غربی کوه بلند کورون (کورون‌داغ امروزی) از دشت‌های پر نعمت گندم و انگور بهره‌مندند. خاک آنها حاصلخیز است و با آب فراوان رودها و چشمه‌سارها آبیاری می‌شود. مرغزارهای سرسبز آنها چراگاه اسب‌های اصیل است» (علی‌یف ۱۳۸۸: ۶۵).

در شمال ماد نیز محلی به نام نیسا وجود داشته که در دوره ساسانیان روستای بزرگی در ایالت همدان بود، اما بعداً به قزوین ملحق شد (مارکوارت ۱۳۷۱: ۱۶۰). علی‌یف استان مادی نیسا که در نوشته‌های تیگلات پیلسر سوم آمده است را همین محل یعنی قزوین امروزه می‌داند (علی‌یف ۱۳۸۸: ۵۰۶-۵۰۷). حتی یُرنُتُش بازدارای سرسلسله اتابکان قزوین نیز بر سکه‌های خود عنوان نهاوند را آورده است (قاسم‌بگلو ۱۳۸۴: ۱۵۸). این محل تا چندی پیش نهاوند نام داشت اما پس از آنکه به شهر تبدیل شد نام آن به خرم‌دشت تغییر یافت.

باتوجه به مطالب ذکر شده ظاهراً دشت نیسا منطقه‌ای وسیع بوده که از جنوب استان قزوین آغاز و تا جنوبی‌ترین نقطه استان همدان امروزی امتداد داشته و این ناحیه احتمالاً به‌خاطر داشتن موقعیت راهبردی حساس، آب فراوان و زیستگاه‌های طبیعی مناسب، مردم و حاکمان را جذب خود می‌کرد. برای نمونه ویژگی‌های طبیعی جنوب این منطقه سلوکیان را بر آن داشت تا شهر لائودیسه را در آنجا بسازند یا بازسازی کنند. این شهر که تا امروز با نام نهاوند پابرجاست، در زمان اشکانیان و ساسانیان مورد توجه و علاقه برخی از شاهان ایران قرار گرفت، آخرین رویارویی یکپارچه ایرانیان با اعراب در نزدیکی آن رخ داد و تا دو قرن پیش مهم‌ترین شهر بخش جنوبی استان همدان بود. در حال حاضر نیز تعدادی از مردم در نهاوند و روستاهای اطراف آن دارای نام خانوادگی نسائی هستند که به احتمال زیاد یادگاری از نام قدیم این منطقه است. گذشته از منابع تاریخی و زبان‌شناسی، مدارک سکه‌شناسی نیز تأییدی بر مطالب ذکر شده است.

۶. نام نهاوند در سکه‌های ضرب نهاوند

باتوجه به اینکه سکه‌شناسی روشنگر برخی رویدادهای مبهم و تاریک گذشته است، سکه‌های ضرب نهاوند نیز می‌تواند تا حدودی روشنگر نام گذشته نهاوند باشد. سکه‌ها به‌عنوان یکی از منابع دست اول، دقیق‌ترین اطلاعات تاریخی را نیز دربر دارند. از ویژگی‌های سکه این است که مرور زمان هیچ تغییری در آنها ایجاد نکرده و کاملاً دست‌نخورده باقی مانده‌اند. هخامنشیان از زمان داریوش یکم (۵۲۱-۴۸۶ ق.م.) نخستین دولتی بودند که در ایران اقدام به ضرب سکه کردند، اما سکه‌های هخامنشی فاقد نوشته بوده و به‌همین دلیل ضرب‌خانه‌های هخامنشی شناخته شده نیستند. سکه‌های سلوکی نیز فاقد نام ضرب‌خانه و شهری است که سکه‌ها در آنجا ضرب شده‌اند، البته تعدادی علائم اختصاری در پشت سکه‌های سلوکی وجود دارد که با وجود تلاش زیاد سکه‌شناسان هنوز این علائم شناسایی و کشف رمز نشده‌اند (آورزمانی ۱۳۸۰: ۷۰).

نام لائودیسه (لائودیکیا) بعد از انقراض سلوکیان و روی کار آمدن اشکانیان، همچنان برجای ماند و ظاهراً تا اواخر دوره اشکانیان، نهاوند حداقل در محافل رسمی به این نام مشهور بوده است. نهاوند در دوره اشکانیان از شهرهای بزرگ و آباد محسوب می‌شده و جایگاه خاندان کارن (قارن)، یکی از هفت خاندان بزرگ دوره اشکانی (۲۵۰ ق.م. - ۲۲۴ م.) و ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.)، بوده است. نهاوند یکی از ضرب‌خانه‌های دوره اشکانی نیز بوده که سکه‌هایی با نام لائودیسه در این شهر ضرب شده است و سکه‌هایی که تا امروز از این شهر به‌دست آمده مربوط به دوران پادشاهی فرهاد سوم (۸۰-۵۷ ق.م.)، مهرداد سوم (۵۷-۵۵ ق.م.)، ارد اول (۵۷-۳۷ ق.م.)، فرهاد چهارم (۳۷ ق.م. - ۲ م.) و اردوان سوم (۱۲-۴۰ م.) اشکانی است (همان: ۷۱). در پشت این سکه‌ها علامت ضرب‌خانه لائودیسه منقور است. علامت ضرب‌خانه نهاوند در پشت درهم‌های اشکانی به صورت ترکیبی از دو حرف یونانی (Α) و (O) بوده که صورتی که حرف (O) بر بالای حرف (Α) قرار گرفته بوده است و (O+Α) بوده به صورتی که حرف (O) بوده که نشانگر «لا+نو» و آغاز نام شهر لائودیسه (لائودیکیا = نهاوند) بوده است (سلوود ۱۳۶۸: ۳، قسمت اول/۴۱۸؛ قاسم‌بگلو ۱۳۸۴: ۱۵۶).

با پیروزی اردشیر بابکان و انقراض دولت اشکانی به‌دست وی در سال ۲۲۴م، بقایای فرهنگ هلنی در ایران منسوخ و به‌دست فراموشی سپرده شد. سکه‌های ساسانی ضرب نِه‌اوند بیانگر این هستند که حداقل در زمان ساسانیان نام شهر از لائودیسه به نِه‌اوند تغییر یافته است (آورزمانی ۱۳۸۰: ۷۲). در دوره ساسانی نخستین بار نگارش نام محل ضرب سکه‌ها یا ضرب‌خانه به‌صورت غیررسمی و محدود، از دوره شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م). آغاز و از زمان بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹م). به‌صورت رسمی و همیشگی بر سکه‌ها آورده شد (امینی ۱۳۹۲: ۱۳). در آغاز نام ضرب‌خانه به‌صورت اختصاری و بدون اسلوب خاص و ثابت، بر جاهای گوناگون از روی پشت سکه نقش می‌شد. به‌مرور و در زمان یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۰م). نام اختصاری ضرب‌خانه‌ها نظام‌مند شده و از دوره بهرام پنجم (۴۲۰-۴۳۸م). به بعد، جای نگارش آن به‌صورت رسمی در پشت سکه، سمت راست و در کنار نگهبان آتش قرار گرفت. نام ضرب‌خانه عمدتاً به‌دلیل کمبود فضا به شیوه اختصاری بر سکه‌ها نگاشته می‌شد. البته نام برخی از ضرب‌خانه‌ها مانند بلخ، ری و جی (گی)، به‌علت کوتاهی نامشان کامل نوشته شده است (ایراندوست ۱۳۷۹: ۱۵۲؛ امینی ۱۳۹۲: ۱۴). تاریخ‌گذاری بر سکه‌های ساسانی نیز از سال سوم سلطنت پیروز یعنی سال ۴۶۰م. متداول گردید (ایراندوست ۱۳۷۹: ۱۵۲).

نِه‌اوند پیش از فتح ایران به‌دست اعراب، و نیز پس از آن، شهر بسیار مهمی بوده و به‌همین دلیل در این محل، به ویژه در اواخر عهد ساسانی، سکه‌های زیادی ضرب شده است (آلتهايم و همکاران ۱۳۸۲: ۱۰۵). برای ضرب‌خانه نِه‌اوند در دوره ساسانی دو نشان اختصاری (NIH: نِه‌اوند) و (NH: نِه‌اوند) در خط پهلوی وجود دارد (همان: ۹۶). با وجود اینکه این علائم را می‌توان نشانگر شهر نِه‌اوند و نِه‌اوند در منطقه ماد دانست، ولی برخی سکه‌شناسان گزینه‌های دیگری مانند نیریز در فارس، وه‌اردشیر در سلوکیه و وه‌کواد را نیز پیشنهاد کرده‌اند (امینی ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸). گفتنی است که در خط پهلوی برای حروف (ن) و (و) یک نشانه وجود دارد و به‌همین دلیل خوانش‌های دیگری از نام این ضرب‌خانه وجود دارد. با توجه به اینکه حرف (ه) جزء اصلی نام نِه‌اوند بوده و این حرف خود تغییر یافته حرف (س) بوده است، می‌بایست این حرف در مختصر نام ضرب‌خانه می‌آمد تا مشخص شود

که مربوط به شهر نهاوند است. بنابراین آنجا که نشان ضرب‌خانه به صورت (NI) آمده و برخی آن را مربوط به ضرب‌خانه نهاوند دانسته‌اند (قاسم‌بگلو ۱۳۸۴: ۱۵۶؛ امینی ۱۳۹۲: ۳۸) چندان درست به نظر نمی‌رسد و این نشانه به احتمال زیاد مربوط به شهرهایی از جمله نیریز، نیشابور یا شهر دیگری بوده است، ولی آنجا که در نام ضرب‌خانه حرف (ه) وجود دارد به احتمال بسیار زیاد مربوط به شهر نهاوند بوده است.

از پادشاهان ساسانی؛ قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م.)، خسرو اول انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م.)، هرمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م.)، بهرام چوبین (۵۹۰-۵۹۱ م.)، خسرو دوم پرویز (۵۹۱-۶۲۸ م.)، قباد دوم (۶۲۸ م.)، اردشیر سوم (۶۲۸-۶۳۰ م.) و پوراندخت (۶۳۰-۶۳۲ م.) در ضرب‌خانه نهاوند سکه‌هایی را ضرب کرده‌اند (آورزمانی ۱۳۸۰: ۷۲؛ ایراندوست ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۵۲؛ امینی ۱۳۹۲: ۳۸؛ قاسم‌بگلو ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۷).

پس از سقوط ساسانیان و در سکه‌های معروف به عرب-ساسانی، سکه‌هایی بدون نام حاکم اسلامی و گاه با نام خسرو در نهاوند ضرب شده‌اند که متعلق به سال‌های ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ و ۳۷ هجری قمری هستند. پس از آن نیز سکه‌هایی با نام حاکمان اسلامی از جمله عبدالله بن عامر در تاریخ ۴۱ هجری، زیاد بن ابوسفیان در تاریخ ۵۱-۵۳ هجری، عبیدالله بن زیاد در تاریخ ۵۷-۶۰ و ۶۲-۶۳ هجری، مصعب بن زبیر در تاریخ ۶۹ هجری (همان: ۱۵۸) ضرب شده‌اند. بر روی این سکه‌ها نیز نام ضرب‌خانه نهاوند به صورت NEH (نیه) نوشته شده است (همان: ۱۵۶).

در دوره خلافت عباسیان نام نهاوند به صورت کنونی نوشته شده و گاهی آن را به صورت بنهوند نوشته‌اند. در دوره خلافت اموی و به‌ویژه در سال‌های ۷۹ تا ۸۳ هجری قمری سکه‌های ضرب‌خانه نهاوند با عنوان ماه البصره ضرب شده‌اند، اما در دوره عباسی نام اصلی شهر دوباره بر سکه‌ها ظاهر می‌شود و فلوس‌های عباسی از جمله فلوس‌های سال ۱۶۸ ه.ق. با عنوان نهاوند ضرب شده‌اند. فتحعلی‌شاه قاجار نیز در سال ۱۲۴۸ ه.ق. سکه‌ای در نهاوند ضرب کرده است که لقب آن مشکوک به نظر می‌رسد و فرح‌بخش در کتاب راهنمای سکه‌های ضرب چکشی آن را دارانشاب خوانده است، ولی دارانشاب صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

باتوجه به اینکه سکه سالمی از این نوع در دست نیست، تأیید قطعی این نظر مقدور نیست (قاسم‌بگلو ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۶۱). اگر چنین عنوانی درست باشد پس از مدت‌ها باز هم شاهد ظهور نام کهن نسا در سکه‌های این منطقه هستیم.

بنابراین در سکه‌های ضرب نهاوند نیز شکل قدیمی‌تر نام نهاوند محفوظ مانده و ما را به این نکته رهنمون می‌کند که پیش‌تر از این نام نهاوند نیاوند و نهاوند بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

نهاوند شهری واقع در غرب ایران و در منطقه شمالی زاگرس و ۹۰ کیلومتری جنوب همدان است. این منطقه از نظر کشاورزی بسیار حاصلخیز و پرآب است. باتوجه به اینکه نهاوند بر سر یکی از راه‌های مهم ارتباطی تاریخی قرار گرفته که از عراق مرکزی شروع شده و از طریق کرمانشاه به شمال ایران می‌رسیده، در بیشتر ایام محل عبور لشکریان و کاروان‌ها و به تبع آن محل وقوع وقایع و نبردهای متعددی بوده است. پیشینه نام نهاوند به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران به سده هشتم ق.م. با عنوان نیشای یا نیسای برمی‌گردد. این نام پس از آن به نیسانت، نهاوند و در نهایت نهاوند تغییر شکل یافته است. سیر تحول این نام را از طریق منابع تاریخی، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی و به‌ویژه نوشته‌های روی سکه‌ها به‌درستی می‌توان تشخیص داد. بیشتر نویسندگان کتاب‌های لغت، فرهنگ‌نویسان، جغرافی‌دانان و مورخین در مورد ریشه‌شناسی نام نهاوند اظهار نظر کرده‌اند و هنگامی که از نهاوند صحبت به میان آمده خواه‌ناخواه به وجه تسمیه و معنی نام نهاوند اشاره کرده‌اند، اما همه آنها در دایره‌ای محدود و بر اساس ظاهر نام نهاوند به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از آن پرداخته‌اند.

باتوجه به منابع مختلف تاریخی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی می‌توان گفت که نیسای نام منطقه‌ای وسیع از ماد بوده که از جنوب استان قزوین آغاز و تا جنوبی‌ترین نقطه استان همدان امروزی امتداد داشته و این ناحیه احتمالاً به دلیل داشتن موقعیت راهبردی حساس، آب فراوان و زیستگاه‌های طبیعی مناسب، مردم و حاکمان را جذب خود می‌کرد. این منطقه وسیع احتمالاً شامل چند شهر می‌شده که به مرور زمان هر کدام از این شهرها نام مجزایی

به خود گرفته و نام نیسا برای یکی از مناطق مورد نظر یعنی شهر نهاوند امروز باقی مانده است. بر اساس ریشه‌شناسی این نام دو معنی «درازکشیده در پایین» و «زیستگاه و محل زندگی» را می‌توان برای آن در نظر گرفت.

منابع

- آذرنوش، مسعود، ۱۳۷۴، «ور تاجیکان»، نشریه معارف، دوره دوازدهم، شماره ۱ و ۲، ص ۳-۱۵.
- آرلاتو، آنتونی، ۱۳۸۴، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرسی، چاپ دوم، تهران.
- آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب (گردآورنده)، ۱۳۸۲، متون پهلوی، گزارش سعید عریان، تهران.
- آلتهایم، فرانتس و همکاران، ۱۳۸۲، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران.
- آورزمانی، فریدون، ۱۳۸۰، «نگرشی بر پیشینه نهاوند به استناد سکه‌نوشته‌ها»، فرهنگان، س ۳، ش ۹، ص ۶۸-۸۱.
- ابن حوقل، محمد بن علی، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۵.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد، البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران، ۱۳۴۹.
- ابوالفداء، الملك المؤید عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن علی، تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۴۹.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۳، دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران.
- احدیان، محمدمهدی، ۱۳۸۸، «بررسی ریشه‌شناختی دو جای نام در استان همدان (نهاوند و آدرپانا)»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۵، ص ۱۵۹-۱۷۴.
- اذکابی، پرویز، ۱۳۸۰، همدان‌نامه (بیست گفتار درباره مادستان)، همدان.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران، ۱۳۷۳.
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، جغرافیای تاریخی نهاوند، قم.
- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۸۲، پژوهشی در نام شهرهای ایران، چاپ دوم، تهران.
- امینی، امین، ۱۳۹۲، سکه‌شناسی آخرین شاهان ساسانی، تهران.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب، نخبة‌الدهر فی عجایب البر و البحر، ترجمه سید حمید طبیبان، تهران، ۱۳۵۷.

- ایراندوست، محمود، ۱۳۷۹، «سکه‌های ضرب نهاوند در دوره ساسانیان»، فرهنگان، س ۱، ش ۴، ص ۱۴۶-۱۵۳.
- ایزدین‌پناه، حمید، ۱۳۶۳، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۲، تهران.
- ایزدین‌پور خاراکی، منزلگاه‌های اشکانی، ترجمه علی اصغر میرزایی، تهران، ۱۳۹۲.
- بارتولد، ویلهلم، ۱۳۷۷، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۴۴، خاتون هفت قلعه، تهران.
- بغدادی، ابوالقاسم محمد بن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، ۱۳۴۶.
- بیات، عزیزالله، ۱۳۷۶، «نهاوند در گذر تاریخ»، مجموعه مقالات اولین همایش نهاوندشناسی، گردآورنده اسماعیل شهبازی، مؤسسه فرهنگی علمیرادیان، ص ۴۳-۸۵.
- _____، ۱۳۷۹، «نقدی بر مقاله وجه تسمیه نهاوند»، فرهنگان، س ۱، ش ۴، ص ۱۵۴-۱۶۱.
- بیانی، ملکزاده، ۱۳۸۱، تاریخ سکه، چاپ ششم، جلد ۲، تهران.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۸۱، تاریخ ایران باستان، چاپ هشتم، ج ۲، تهران.
- پیگولوسکایا، ن.، ۱۳۷۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ سوم، تهران.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ویرایش دوم، ج ۴، تهران، ۱۳۴۲.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران.
- الجزری، عزالدین بن الاثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، الجزء الثالث، بیروت، ۱۹۴۸.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد، ۱۳۶۸.
- حسینی رازی، سید مرتضی بن قاسم داعی، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، تهران، ۱۳۶۴.
- حسینی عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، ۱۹۵۱.
- حسینی مدنی تتوی، عبدالرشید بن عبدالغفور، فرهنگ رشیدی، تصحیح محمد عباسی، ج ۲، تهران، ۱۳۳۷.
- حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۸۴، تاریخ پانصد سال حکومت اشکانیان، تهران.
- حکیم، محمدتقی خان، گنج دانش، تهران، ۱۳۶۶.
- حموی، شهاب‌الدین ابوعلی یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، بیروت، ۱۳۷۶ق.
- خزائی، سهم‌الدین، ۱۳۹۵، «راه‌های ارتباطی خشکی در دوره هخامنشی»، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، س ۸، ش ۴ (پیاپی ۳۲)، ص ۳۷-۵۸.
- دیاکونف، م. م.، ۱۳۵۱، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران.
- _____، ۱۳۸۴، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، چاپ پنجم، تهران.

دیاکونوف، ا. م.، ۱۳۸۱، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ ششم، تهران.
دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ هفتم، ج ۱، تهران، ۱۳۸۳.

زرینی، حسین، ۱۳۸۵، نهاوند، تهران.

ساروی، محمدعلی، سه رساله در علم رجال، تهران، ۱۳۴۵.
سلوود، دیوید، ۱۳۶۸، «سکه‌های پارتی»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، ج ۳ - قسمت اول، تهران، ص ۳۸۱-۴۲۷.

سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور، الانساب، ج ۵، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
سیدان، شمس‌الدین، ۱۳۷۹، نهاوند در هزاره‌های تاریخ، تهران.

شهرستان‌های ایران‌شهر؛ نوشته‌ای به زبان فارسی میانه درباره تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران، آوانویسی و حواشی از تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران، ۱۳۸۸.
شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، ج ۲، مشهد، ۱۳۵۱.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری)، ترجمه صادق نشأت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.

طلائی، حسن، ۱۳۸۱، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، چاپ دوم، تهران.
طوسی همدانی، محمد بن محمود بن احمد، عجایب المخلوقات، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲.

علی‌یف، اقرار، ۱۳۸۸، پادشاهی ماد، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران.
فوریه، ژوان، ۱۳۸۵، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران.
قاسم‌بگلو، مرتضی، ۱۳۸۴، «ضرب سکه در نهاوند»، فرهنگ‌ان، س ۷، ش ۲۶، ص ۱۵۵-۱۶۱.
قزوینی، عمادالدین زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، تصحیح سید محمد شاهمرادی، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، ج ۱، تهران، ۱۳۷۱.

کریستن‌سن، آرتور امانوئل، ۱۳۷۹، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ دهم، تهران.
کسروی تبریزی، سید احمد آقا، ۱۳۰۴، «نهاوند - دماوند»، مجله آینده، س ۱، ش ۷، ص ۴۲۹-۴۳۳.
_____، ۲۵۳۶، کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکاء، تهران.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، زین الاخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران، ۱۳۸۴.
گوتشمید، آلفرد فن، ۱۳۸۸، تاریخ ایران و ممالک هم‌جوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه

- کیکاووس جهاننداری، چاپ پنجم، تهران.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۸۴، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تصحیح میترا مهرآبادی، چاپ چهارم، تهران.
- مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۱، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران.
- مجم‌التواریخ و القصص، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، به‌کوشش محمد رمضان، تهران، ۱۳۱۸.
- محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، ج ۷، تهران، ۱۳۲۵.
- مقدسی، ابو‌عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن سید برهان‌الدین، روضة‌الصفاء، ج ۷، تهران، ۱۳۳۹.
- نقیسی، علی اکبر ناظم‌الاطباء، فرهنگ نفیسی، تهران، ۲۵۳۵.
- نوبان، مهرالزمان، ۱۳۷۶، نام مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان، تهران.
- هدایت، رضاقلی خان، فرهنگ انجمن آرای ناصری، ج ۲، تهران، بی‌تا.
- هول، فرانک، ۱۳۸۱، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران.
- واندنبرگ، لونی، ۱۳۷۹، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۳، بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران.
- یارشاطر، احسان (گردآورنده)، ۱۳۷۷، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، ج ۳- قسمت دوم، تهران.
- یعقوبی، ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، ۲۵۳۶.
- Ammianus Marcellinus*, with an English Translation by J. C. Rolfe, 3 vols., London, 1935.
- Bartholomae, C., 1961, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
- Diodorus of Sicily, *The Library of History*, vols. 1-12, tr. By C. H. Oldfather, Cambridge, 1968.
- Herodotus, *The Persian Wars*, tr. by A. D. Godley, Cambridge, 1957.
- Jackson, A. V. Williams, 1891, *An Avesta Grammar*, Stuttgart.
- Kent, R. G., 1953, *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, Second Edition, New Haven.
- Marquart, J., 1931, *A Catalogue of the Provincial Capitals of Eranshahr (Pahlavi Text, Version and Commentary)*, Roma.
- Nyberg, H. S. 2003, *A Manual of Pahlavi*, 2 vols., Tehran.
- Pliny, *Natural History*, tr. by H. Rackham et al., London, 1947.
- Pokorny, J., 1959, *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, München.
- Schmitt, R., 2008, "Nisāya", *Encyclopedia Iranica*, online, www.iranicaonline.org.
- Strabo, *The Geography of Strabo*, tr. by H. L. Jones, Cambridge (Mass.), 1966.